

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار

مهدی زنگنه^{۱*}، مریم خداشاهی^۲

۱. استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
۲. کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

چکیده

اطلاعات مقاله

شهرگرایی به‌عنوان مرحله‌ی نهایی و کیفی زندگی شهری یا نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. شهرگرایی به‌عنوان سبک جدیدی از زندگی اجتماعی توانسته آثار عمیقی بر رفتار شهروندان ایجاد نماید و این موضوع به یکی از دغدغه‌های متخصصین شهری تبدیل شده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل موثر بر میزان شهرگرایی شهروندان سبزوار بر آن است تا دریابد که ساکنان بافت مرکزی، جدید و حاشیه شهر سبزوار تا چه میزان پذیرای فرهنگ شهرگرایی شده‌اند؟ و شهرگرایی چه تأثیری بر نگرش آن‌ها گذاشته است؟ این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که اطلاعات به‌دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T -test نمونه، اسپیرمن، تحلیل واریانس و فریدمن و برای سنجش میزان شهرگرایی در سه بافت مورد مطالعه از مدل $VIKOR$ استفاده شده است. حجم نمونه برای سه بافت ۳۸۲ نمونه انتخاب شده است. مقدار آلفا برای کل شاخص‌ها برابر با ۰/۷۸ است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از ۶ شاخص مورد بررسی در محدوده‌ی مورد مطالعه، شاخص‌های هویت شهروندی، فردگرایی، بی‌تفاوتی، تعاملات و عقلانیت رابطه معناداری با میزان شهرگرایی شهروندان شهر سبزوار دارند اما شاخص از خودبیگانگی رابطه معناداری با شهرگرایی ندارد و نتایج مدل ویکور نشان می‌دهد که میزان شهرگرایی در بافت جدید بیش‌تر است و در مراتب بعدی بافت مرکزی و بافت حاشیه قرار می‌گیرند. همچنین آزمون فریدمن نشان می‌دهد که شاخص‌های از خودبیگانگی، بی‌تفاوتی، فردگرایی و تعاملات به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در میزان شهرگرایی سه بافت مورد مطالعه شهر سبزوار را دارا می‌باشند. بنابراین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شهر سبزوار به لحاظ درجه شهرگرایی در وضعیت مطلوب و مناسبی قرار ندارد.

دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۴۰۰

صص. ۱۸-۳۲

DOR: 20.1001.1.27173747.1400.2.1.2.8

کلیدواژه‌ها: شهرگرایی، دیدگاه ترکیب‌گرایی، شهر سبزوار.

مقدمه

شهر گرایی، مرحله‌ی مهمی در روند زندگی در شهرهاست زیرا فرهنگ شهرنشینی افراد در چگونه زیستن یعنی شهر گرایی آن‌ها ظاهر می‌شود ممکن است کشوری درصد بالایی از شهرنشینی را دارا باشد اما در سطح پایینی از شهر گرایی قرار داشته باشد. برخلاف شهرنشینی، شهر گرایی یک فرآیند رشد کمی نیست بلکه به‌عنوان مرحله‌ی نهایی و کیفی زندگی شهری یا نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. به‌عبارت‌دیگر شهر گرایی مفهومی عام است شامل جنبه‌های روانشناسی اجتماعی زندگی شهری، الگوهای شخصیت شهری و انطباق رفتاری در شهر و دارای خصوصیات از قبیل تقسیم‌کار پیچیده همراه با ساخت متنوع اشتغال، تحرک زیاد سرزمینی و اجتماعی، گمنامی حقیقی و قابل‌ملاحظه‌ی شخصی در تماس‌های میان افراد، شاخه‌شاخه‌شدگی و جدایی نقش‌های اجتماعی و هم‌کنشی نقش و حالت‌های نامستقیم کنترل اجتماعی است (رحمانی فیروز جاه، ۱۳۹۲: ۱۱).

شهرنشینی به‌طور صحیح اشاره دارد به افزایش نسبت جمعیتی که در مراکز شهری یک کشور به سر می‌برند و البته این مراکز دارای ابعاد و اندازه‌ی خاصی هستند که با تعریف جمعیت شناختی از شهرنشینی تناسب دارد (آبرکرامبی، ۱۳۷۰: ۴۰۴). به‌طور کلی شهرنشینی دارای دو ویژگی اصلی است: ۱ - مهاجرت مردم از حوزه‌ی روستایی به شهری برای اشتغال در فعالیت‌ها و شغل‌های غیر کشاورزی ۲ - دگرگونی در سبک زندگی مردم از سبک روستایی به شهری که به همراه تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها حاصل می‌شود و رفتارهای تازه‌ای را به وجود می‌آورد (شکوئی، ۱۳۸۲: ۷۵). گاتینر و هاجیسان بیان می‌کنند که برخلاف شهرنشینی که اشاره به شکل‌گیری شهر یا روندهای ساخت شهری است، شهر گرایی پروسه‌های شکل‌گیری شهر را قطعی می‌پندارد و در عوض، فهم و درک شیوه‌های زندگی را که از شهرنشینی سرچشمه گرفته‌اند جست‌وجو می‌کند (Gottdiener Hutchison, 2006:45). شهر گرایی به معنای گرایش و علاقه‌ی شهرنشینان به انتخاب سبک جدیدی از زندگی اجتماعی اعم از ترکیب خانواده، راه‌های بهتر استفاده از منابع زندگی در محیط، هم‌گرایی با ارزش‌های برخاسته از توسعه‌ی صنعت اتومبیل، استفاده از سبک جدید مسکن و مانند آن در مراکز شهر است (رضا دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

گاتینر و هاجیسان بیان می‌کنند که برخلاف شهرنشینی که اشاره به شکل‌گیری شهر یا روندهای ساخت شهری است، شهر گرایی پروسه‌های شکل‌گیری شهر را قطعی می‌پندارد و در عوض، فهم و درک شیوه‌های زندگی را که از شهرنشینی سرچشمه گرفته‌اند جست‌وجو می‌کند. شارع پور اظهار می‌کند که بایستی بین دو مفهوم شهرنشینی و شهر گرایی تفاوت قائل شد. منظور از شهرنشینی، تعداد افراد ساکن در مناطق شهری و منظور از شهر گرایی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زندگی در مکان شهری است، یعنی همان الگوها و رفتارهای مرتبط با زندگی در شهر که در بردارنده‌ی تغییر در ارزش‌ها، آداب‌ورسوم و رفتارهای مردم است. به‌طور کلی می‌توان گفت که شهر گرایی شیوه‌ی زندگی ویژه‌ای است که در بستر شهر و شهرنشینی به وجود می‌آید (جلائی پور و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۹).

ساختار پیچیده‌ی شهرها در دوران جدید، اشکال پیچیده‌ای از سلوک، رفتار و کنش انسانی را با خود به همراه آورده است. فرهنگ شهر گرایی علی‌رغم ظرفیت فراوان در تأمین پاره‌ای از اصلی‌ترین نیازهای زیستی و اجتماعی، به دلایل مختلف جامعه‌شناختی زمینه‌ی بروز انواعی از اختلالات رفتاری و شخصیتی را برای بسیاری از ساکنین شهرها ایجاد نموده است که بارزترین نمونه‌ی آن تمایل افراد به استقلال رفتاری و افزایش عدم هم‌نوایی اجتماعی است (موسوی و پاک خصال، ۱۳۹۱: ۶۲). از دیدگاه جانستون شهر گرایی به معنای یک فرآیند رفتاری است. به صورتی که شهرها مراکز انتشار تغییرات و تحولات اجتماعی معرفی شده‌اند (سلطانی مقدس، ۱۳۹۱: ۴۲).

شهر گرایی زندگی در شهر، دارا و همچنین موجد خصوصیات است که کمیت و حتی کیفیت زندگی ساکنان آن را متفاوت از ساکنین نواحی غیرشهری می‌کند. البته منظور از شهر هم صرفاً جایی نیست که دارای میزان جمعیت خاص یا نهادها و سازمان‌هایی نظیر شهرداری‌ها باشد بلکه جایی است که تراکم بالا، روابط ثانویه و غیر عاطفی، فردگرایی،

روحیه‌ی حساب‌گری، مادی‌گرایی و عقلانیت ابزاری حاکم باشد. مجموع این ویژگی‌ها شهرگرایی را به وجود می‌آورد. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه نیز از جمله ایران گسترش شهرنشینی و ورود فرهنگ مادی با سرعت بی‌سابقه و حتی سریع‌تر از کشورهای صنعتی اتفاق افتاده است و از آنجاکه که بسیاری از افراد آمادگی لازم برای ورود به این نوع زندگی را پیدا نکرده‌اند بسیاری از چالش‌ها و نابهنجاری‌های فردی را به دنبال آورده است و در نتیجه‌ی گسترش فرهنگ شهرگرایی، یکی از نمودهای زندگی دوران جدید و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات است و این موضوع به یکی از دل‌مشغولی‌های بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون در قبال پیامدهای مختلف فرآیند توسعه‌ی شهرگرایی تبدیل شده است (رحمانی فیروز‌جاه، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

یکی از تحولات اساسی دهه‌های اخیر در کشور ما، افزایش روزافزون و چشم‌گیر جمعیت به‌خصوص جمعیت شهرنشین در شهرهای کوچک و بزرگ است. شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری تنها یک بعد کمی است بنابراین توجه به بعد کیفی و پایبندی شهرنشینان به قوانین شهری و اهمیت دادن به این قوانین و این‌که تا چه اندازه این ضوابط در بین مردم قابل‌اجرا است نکته غیرقابل‌چشم‌پوشی است.

با توجه به روند روزافزون شهرنشینی در شهر سبزوار، این سؤال پیش می‌آید که ساکنان شهر سبزوار تا چه حد شهرگرا هستند یا به‌عبارت‌دیگر دیگر، شیوه‌ی زندگی آن‌ها در حوزه‌ی رفتارها و روابط اجتماعی تا چه حد دارای ویژگی‌های شهرگرایی است و میزان شهرگرایی آن‌ها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد. با توجه به تغییر و تحولاتی که به لحاظ کمی و افزایش جمعیت و میزان شهرنشینی در شهر سبزوار ایجاد شده، پژوهش حاضر بر آن است تا میزان شهرگرایی ساکنان سه بافت مسکونی متفاوت شهر سبزوار را موردبررسی قرار دهد.

فرضیات و سؤالات تحقیق

- بین بافت‌های شهری سبزوار از نظر درجه شهرگرایی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین متغیرهای میزان تحصیلات افراد، میزان درآمد خانوار و وضعیت شغلی افراد با میزان شهرگرایی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

_ میزان شهرگرایی در هریک از بافت‌های مورد مطالعه در چه حدی است؟

_ کدام شاخص‌ها تأثیر بیش‌تری بر روی شهرگرایی شهر سبزوار دارند؟

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

Warfel, & Liang (1983) به پژوهشی تحت عنوان تأثیر شهرنشینی بر رضایت از زندگی پرداخته است. نتایج پژوهش گویای آن است که وجود رضایت از زندگی توسط افراد سالمند نسبت به جوانان کم‌تر است و این گروه از افراد رضایت چندانی از زندگی خود ندارند.

Hooper (2009) به پژوهشی تحت عنوان شهرگرایی پاسخی به فرآیندهای شهرنشینی جدید پرداخته است. نتایج پژوهش گویای آن است که جهانی‌شدن، فضای شهری مدرن و سیاست‌های جنسیت، جوانان، قومیت و طبقه شهرگرایی را تحت تأثیر قرار داده است.

حسینی و همکاران (۱۳۹۳) طی تحقیق و پژوهش خود دریافتند که بین شهرگرایی (عقلانیت، محاسبه‌گری و عدم تحریک‌پذیری عاطفی) و نوع‌دوستی رابطه وجود دارد. بر اساس نظریه‌های موجود در باب شهرگرایی و شهرنشینی، زندگی در شهر واجد خصوصیات روانی - رفتاری ویژه‌ای است که انسان‌ها را محاسبه‌گر و عقلانی می‌کند.

رحمانی فیروز‌جاه و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی که در شهر ساری انجام دادند، نشان دادند که میزان شهرگرایی شهر ساری در سطح بالایی قرار دارد و تعداد کمی از افراد از نظر میزان شهرگرایی در حالت متوسطی قرار دارند و

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی

می‌توان گفت میزان بالای شهر گرایی افراد قابل تبیین در رویکرد جبرگرایی است و شیوه‌ی زندگی مردم شهر ساری حاصل جبر محیط شهری است.

موسوی و پاک خصال (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان شهر گرایی و ایستار فرهنگی: مورد تجربی ساکنین شهر تهران به بررسی شهر گرایی و تأثیر آن بر ایستار و رفتار شهروندان شهر تهران با تأکید بر نظریه‌ی لوئیس ورت و مکتب شیکاگو پرداخته است. یافته‌های پژوهش برحسب محاسبه‌ی ضریب هم‌بستگی پیرسون مبین وجود رابطه‌ی معنادار بین شهر گرایی و عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام اجتماعی و افزایش فردگرایی وجود دارد ولی بین شهر گرایی و از خودبیگانی فردی و کاهش پیوند عاطفی رابطه معنادار نبوده است.

شهر گرایی تنها به روند جذب شدن افراد گوناگون به مکان‌های تجمع و سکونت در شهر اطلاق نمی‌شود. این مفهوم همچنین گویای تمرکز نموده‌ها و شیوه‌های خاصی از زندگی است که به موازات شهرها صورت می‌گیرد و سرانجام به تغییراتی در شیوه‌ی زندگی شهری اطلاق می‌گردد که در میان مردم آشکار و برجسته هستند و این شیوه از طریق مؤسسات و نهادهای شهری، وسایل حمل‌ونقل و وسایل ارتباطی به دیگر فضاهای راه‌یافته و هرروز افراد بیش‌تری را تابع شیوه‌ی شهری می‌سازد. (رحمانی فیروز جاه، ۱۳۹۲: ۱۱۰). از این‌رو، در راستای توصیف وضعیت شهر گرایی، به این معنا که شیوه‌های زندگی شهرنشینان شهر سبزوار تا چه حد از ویژگی‌های شهر گرایی تبعیت کرده، ابتدا شاخص‌های شهر گرایی با استفاده از نظریات مشخص شده، سپس از طریق آن دسته از نظریات که به تبیین شهر گرایی و شیوه‌های زندگی شهری پرداخته‌اند، عوامل تأثیرگذار انتخاب و فرضیات در باب تبیین وضعیت شهر گرایی شهرنشینان در این شهر ارائه شده است. دیدگاه‌های نظری درباره‌ی شیوه‌های زندگی شهری را می‌توان به سه رویکرد جبرگرایی (اکولوژیکی)، ترکیبی و خرده‌فرهنگی تقسیم کرد (جلائی پور و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۱۹۹). در ادامه به ارائه‌ی این دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

رویکرد جبرگرایی (اکولوژیکی)

مهم‌ترین و بانفوذترین نظریه در مورد شیوه‌های زندگی شهری و شهر گرایی، دیدگاهی است که غالباً آن را دیدگاه جبرگرایی یا نظریه‌ی اکولوژیکی و گاهی نظریه‌ی انومی شهری نامیده‌اند. این رویکرد از منظر نظریه‌پردازان به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر جمعیت زیاد و متراکم، عدم تجانس ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت‌وآمد و محرک‌های شهری بر شیوه‌ی زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زندگی شهرنشینان با ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا متفاوت باشد یعنی در بین شهرنشینان شیوه‌ی زندگی ویژه‌ای تحت عنوان شهر گرایی وجود دارد (رحمانی فیروز جاه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۵). بنابراین در این دیدگاه، خود شهر با توجه به ویژگی‌هایی که دارد باعث می‌شود که شیوه‌ی زندگی موجود در آن از شیوه‌ی زندگی در دیگر مکان‌ها متمایز باشد. (جلائی پور و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۲۰۵). نظریه‌ی جبرگرایی در مورد شهر و شهرنشینان با نظریات لوئیس ورت به اوج خود می‌رسد. وی شهر را جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی افرادی که به لحاظ اجتماعی ناهمگون‌اند، تعریف می‌کند. از نظر ورت جمعیت زیاد معمولاً تفاوت‌های فردی را افزایش می‌دهد و موجب جداسازی گروه‌های اجتماعی بر اساس ویژگی‌های عمومی مثل رنگ، قومیت و منزلت اجتماعی - اقتصادی می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۱: ۱۴). فردیناند تونیس در کتاب کلاسیک خود با عنوان اجتماع و جامعه (۱۸۸۷) به تقابل دو نوع زندگی اجتماعی گماین شافت یا اجتماع، که ویژگی اجتماعات کوچک است، و گزل شافت یا جامعه، که ویژگی شهرهای بزرگ است، پرداخت. به اعتقاد او، در روستا زندگی اجتماعی شبیه به یک ارگانیزم زنده است که مردم در آن دارای اهداف مشترکی هستند و پیوندهای شدیدی بین آن‌ها وجود دارد. اما در شهر، زندگی اجتماعی به صورت یک تجمع مکانیکی مملو از فردگرایی، خودپرستی و حتی خصومت است (شارع پور، ۱۳۸۷: ۱۱۲). زیمل معتقد است انسان شهری مانند فرد در محیط روستایی نیست که بر مبنای احساس و عاطفه با دیگران ارتباط برقرار کند و به جای واکنش عاطفی اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد (Simmel, 1969: 48). در شهر تلاش برای تأمین منافع شخصی، زایل کننده‌ی رفتار احساسی است و پول وسیله‌ای

اصلی است که به واسطه‌ی آن، ارزش‌ها و عقلایی شده و منافع جایگزین احساسات می‌گردد (Park, 1969: 98). ورت از جمله نظریه‌پردازان دیدگاه جبرگرایی است که بیش‌ترین انتقادات بر ضد شهرگرایی علیه وی مطرح‌شده است. به نظر او، سه متغیر کلیدی شهرها - اندازه‌ی جمعیت بزرگ، تراکم جمعیت و ناهمگنی اجتماعی - در رشد شیوه‌ی زندگی شهری ویژه و ایجاد یک شخصیت متمایز در بین ساکنان شهر سهم تعیین‌کننده‌ای دارد (Le Gate & Frederic, 2007: 90). شهر صحنه‌ی نمایش فرآیند تجمع و جدایی جمعیت‌هایی است که در سامانه‌های اخلاقی گروه‌بندی می‌شوند. در یک وضعیت نزدیکی فضایی و گوناگونی اجتماعی، شهرنشین برحسب نوع محیطی که مخاطب قرار می‌دهد، نقش‌های متفاوتی ایجاد می‌کند که در شهر روابط بی‌نام، سطحی، ناپایدار، بخشی، سودجویانه و عقلانی باشد (Worth, 1980: 6). جبرگرایان مدعی‌اند که شهر پیوندهای اجتماعی را تضعیف می‌کند، اهمیت شبکه‌های روابط اجتماعی نخستین را کاهش می‌دهد و با جایگزین کردن نهادهای ثانوی در روابط انسانی موجب بروز بی‌هنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود. صاحب‌نظران جبرگرایی اکولوژیک مدعی‌اند که نابسامانی اجتماعی، فشار، بیگانگی، فردگرایی، بی‌عاطفی و بی‌هویتی همه پدیده‌های شهری‌اند و شهرگرایی در سطح روان‌شناختی، نظام عصبی را تهدید می‌کند و نهایتاً به جدائی افراد از یکدیگر و از بین رفتن روابط صمیمانه بین همسایگان می‌انجامد (نوابخش و رفیعی فر، ۱۳۸۷: ۶۲). در مجموع، بر اساس نظریات رویکرد جبرگرایی، می‌توان گفت که بستر شهر و شهرنشینی با توجه به عوامل و ویژگی‌های مرتبط با آن، شیوه‌ی زندگی شهرگرایی مبتنی بر ویژگی‌های خاص ذکرشده را به وجود می‌آورد و در واقع، این شیوه‌ی زندگی حاصل جبر محیط شهری است.

رویکرد ترکیبی

تعداد قابل توجهی از محققان دیدگاه جبرگرایی را موردنقد قرار داده و به دیدگاهی ترکیبی روی آورده‌اند. ترکیب‌گرایان، مانند جبرگرایان، تفکیک شدید بین شهر و روستا را به‌عنوان دو عنصر مخالف نپذیرفته‌اند و معتقدند که اصولاً مقایسه‌ی این‌چنین سخت و قاطع بین ویژگی‌های شهر و روستا ممکن نیست. البته ترکیب‌گرایان به تفاوت‌های روانی - اجتماعی شهریان و روستائیان واقف و معترف‌اند، اما آن را حاصل عواملی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینه‌ی افراد می‌دانند و نه ناشی از نوع زندگی شهری. یعنی شیوه‌های عمده‌ی زندگی که در شهرها یافت می‌شود منحصر و محدود به شهر نیست و هر جای دیگری نیز می‌توان آن را پیدا کرد. (جلالی پورو عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۲۹). اسکار لویی در تشریح نظریات ترکیب‌گرایانه‌ی خود، شهر را ترکیب ناهمگون گروه‌های کوچک اجتماعی دانسته‌اند. به نظر وی هر یک از این گروه‌های کوچک، حلقه‌های اجتماعی دوستانه‌ای است که بر اساس قومیت، خویشاوندی، همسایگی، نوع شغل، شیوه زندگی یا ویژگی‌های همانند شخصی تشکیل شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۵۹). گنز، به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان تأثیرگذار در این رویکرد، در پی نقد و بررسی شهرگرایی ورت، در مقاله‌اش تحت عنوان "شهرگرایی و حومه‌گرایی به‌عنوان شیوه‌های زندگی" به این موضوع می‌پردازد که دیدگاه اکولوژیکی برای تبیین شیوه‌های زندگی دقیق نیست. وی معتقد است که شیوه‌ی زندگی شهری (شهرگرایی) موردنظر ورت فقط - البته نه زیاد - در میان ساکنان داخل شهر وجود دارد و بقیه‌ی ساکنان شهر، مثل حومه‌نشینان، شیوه‌ی زندگی متفاوتی را دنبال می‌کنند (Gans, 1969: 97). در رویکرد ترکیبی، شهر دربردارنده‌ی شیوه‌ی خاص زندگی نیست و برعکس رویکرد جبرگرایی، روابط صمیمانه و پیوند عاطفی در شهر وجود دارد (بمانیان، ۱۳۹۰: ۶۵). به‌طور کلی، در دیدگاه ترکیبی، شهرنشینی (به معنای فرآیند شهر شدن یک منطقه) لزوماً با شهرگرایی (به معنای شیوه‌ی خاصی از زندگی) همراه نیست (Macionis & Parrillo, 2001). پال بر اساس مطالعات تجربی انجام‌شده که متفاوت با دسته‌بندی‌های دوقطبی بعضی از جبرگرایان درباره‌ی شهر و غیر شهر است، معتقد به پیوستار روستایی - شهری است که این پیوستار از واکنش علیه دسته‌بندی‌های دوقطبی برخاسته است (Phal, 1969: 293). ترکیب‌گرایان اظهار می‌دارند که تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی شهروندان و روستائیان چندان ارتباطی با جغرافیای محل سکونت ایشان، اندازه، تراکم و ناهمگونی

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی

جمعیت ندارد، و به ترکیب عواملی چون سن، شغل میزان تحصیلات و میراث قومی و فرهنگی گروه‌های شهرنشین مربوط می‌شود (نوابخش و رفیع فر، ۱۳۸۷: ۶۳). در مجموع، می‌توان گفت که در رویکرد ترکیبی، شهر در بردارنده‌ی شیوه‌ی زندگی خاصی نیست و برعکس رویکرد جبرگرایی، حلقه‌های روابط صمیمانه و پیوندهای عاطفی در شهر وجود دارد. شیوه‌های مختلف زندگی در بین شهرنشینان متأثر از ویژگی‌هایی نظیر طبقه، سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلی، قومیت، نژاد و نوع شغل است.

رویکرد خرده‌فرهنگی

صاحب‌نظر اصلی رویکرد خرده‌فرهنگی کلود شیفر است که در مقاله‌ی خود تحت عنوان (به‌سوی تئوری خرده‌فرهنگی (۱۹۷۵) ادعا می‌کند درحالی‌که بیش‌تر تفاوت‌های موجود در بین افراد در کلان‌شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده، سهم ویژه‌ی رفتار در بین افراد بر اساس محل سکونت‌شان متفاوت است. بر اساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطه‌ی با افراد متنوع‌تر، از کسانی که در مکان‌های با جمعیت کمتری زندگی می‌کنند فرصت بیش‌تری دارند. بنابراین، در دیدگاه شیفر، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها به‌واسطه‌ی اندازه‌ی جمعیت زیاد، تفاوت‌هایی را در بین رفتارهای شهری و روستایی به وجود می‌آورد (جلانی پور و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۲۵). به نظر کلود شیفر شهر گرایی زندگی شهری را متأثر می‌سازد و باعث ایجاد و تقویت گروه‌های اجتماعی می‌شود. در واقع دیدگاه شیفر سنتزی است که بین تأکید جبرگرایان بر عوامل بوم‌شناختی شهرها و تأکید ترکیب‌گرایان بر ویژگی‌های خرده‌فرهنگی شهرنشینان تعادلی ایجاد کرده و مدعی‌اند که انسان شهری در گروه‌های اجتماعی متعددی عضویت دارند و زندگی می‌کنند. فیشر معتقد است که شهر گرایی مستقلاً زندگی اجتماعی را متأثر می‌سازد. این تأثیر با وجود ادعای جبرگرایان باعث ایجاد و تقویت گروه‌های اجتماعی می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۶۵) به نظر شیفر تعداد، تراکم، و ناهمگونی ویژگی‌های خرده‌فرهنگی را شدت می‌بخشد، در نتیجه تنوع و تقابل در شهر آشکارتر می‌شود؛ در واقع شهر تأثیرات نژاد، طبقه، سن و غیره را افزایش می‌دهد و بزرگ می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۲۰۱). طرفداران نظریه‌ی خرده‌فرهنگی که سنتزی از دو دیدگاه فوق‌الذکر را پذیرفته‌اند، معتقدند که زندگی در شهرهای بزرگ تأثیراتی متفاوت از فضای غیرشهری بر شبکه‌های روابط اجتماعی شهرنشینان می‌گذارد. اندازه، تراکم جمعیت و ناهمگونی فرهنگی شهرنشینان، ویژگی‌های خرده‌فرهنگی ایشان را تشدید می‌نماید. بر طبق دیدگاه خرده‌فرهنگ‌گرایان شهرنشین به دلیل وجود عوامل اکولوژیکی، نه می‌تواند و نه می‌خواهد با هر کس که می‌بیند باب دوستی و ارتباط را بگشاید و در واقع خود را موظف می‌داند که هر وقت ضرورت ایجاد کند، تنها در مقابل عده‌ی خاصی عکس‌العمل نشان دهد و دیگران را فراموش نماید (نوابخش و رفیعی پور، ۱۳۸۷: ۶۳). بنابراین، شهر گرایی بزرگ‌مقیاس، به‌جای این‌که هرکسی را درون توده‌ای گمنام غرق کند، به رواج خرده‌فرهنگ‌های گوناگون گرایش دارد که یک شهر کوچک یا روستا اجازه‌ی پیدایش چنین تنوع خرده‌فرهنگی را نمی‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۱۰).

در مجموع سه نظریه؛ جبرگرایی، ترکیبی و خرده‌فرهنگی ارائه گردید و با توجه به شرایط و سبک زندگی شهروندان سبزوار به لحاظ شهر گرایی به دو نظریه‌ی جبرگرایی و ترکیبی نزدیک‌تر است و چارچوب تحقیق بر اساس این نظریه استوار گردید و بر همین اساس و با توجه به پیشینه‌های ارائه‌شده در این زمینه، سعی شده است شاخص‌ها و متغیرهای موردنیاز در این مقاله به شرح جدول زیر انتخاب و موردبررسی قرار گیرد.

جدول ۱. شاخص‌ها و زیر شاخص‌های شهرگرایی

شاخص	زیر شاخص‌ها
هویت شهروندی	احساس خوب داشتن از زندگی در یک محیط شهری، داشتن هویت شهروندی، لذت از تنوع غذایی در شهر، ترجیح دادن زندگی شهری به روستایی، استفاده از امکانات رفاهی در شهر، انتخاب اعضای شورای شهر بر اساس روابط خویشاوندی، پرداخت عوارض شهری، پرداخت عوارض شهری با رضایت کامل، دقت در حفظ امکانات شهری، گزارش مشکلات شهری به سازمان متولی، احترام به تصمیمات شهری.
عقلانیت	انتخاب لباس بر اساس مد روز، انتخاب سبک جدید خانه‌های شهر، وجود حس رقابت در شهر، حرف‌شنوی کم‌تر از

بزرگ‌ترها، روابط و تعاملات بر اساس منافع فردی، کم‌رنگ شدن کمک به دیگران در شهرها در سال‌های اخیر، حساب‌گری و منفعت‌طلبی ساکنان شهری.	
کم‌رنگ شدن روابط فAMILI در شهر، کم‌تر شدن رفت‌وآمدها در شهر، روابط صمیمی با دوستان، زیاد شدن دوستان صمیمی فردی در شهر، اگر مشکل مالی برایم پیش بیاید روی کمک دوستان و آشنایان حساب می‌کنم، روی ضمانت مالی همسایگان حساب می‌کنم، بی‌اعتمادی افراد نسبت به هم در مقایسه با گذشته.	تعاملات
ناراحت نکردن خود به خاطر گرفتاری دیگران، دخالت نکردن در حل مشکلات دیگران، بی‌تفاوتی نسبت به دعوا و درگیری افراد.	بی تفاوتی
برای زندگی بهتر در شهر به فکر منافع فردی خود باشم، اعتماد به همدیگر طی سال‌های اخیر کاهش یافته است، استفاده از فرصت‌ها به نفع خویش، به نظر من مردم در روابط به دنبال منافع خود هستند، بی‌توجهی به یکدیگر در شهر.	فردگرایی
به نظر می‌رسد فرد مفیدی در جامعه نیستم، کنترل نداشتن بر اتفاقات زندگی، نداشتن رضایت شغلی، داشتن احساس تنهایی در شهر با گسترش فیزیکی شهر، به نظر من دنبال کردن سنت‌های قدیمی کار مسخره‌ای است.	از خودبیگانگی

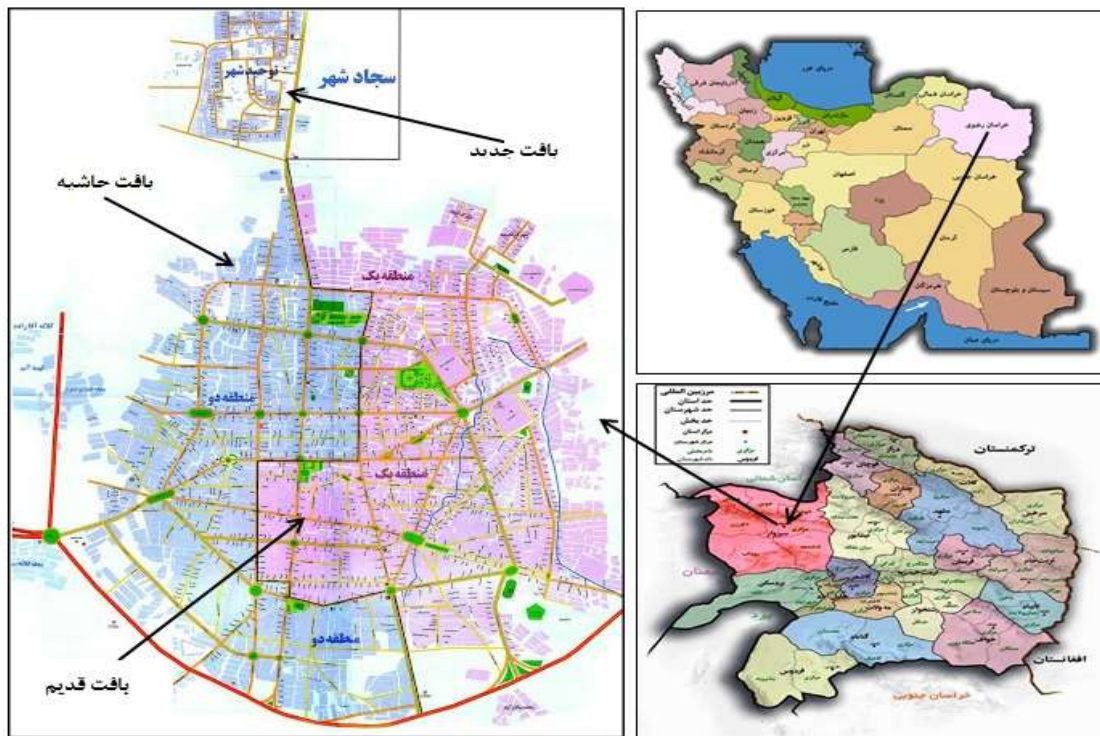
روش پژوهش

پژوهش حاضر؛ از حیث نوع کاربردی - توسعه‌ای، از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی و از حیث روش پیمایشی (پرسش‌نامه) است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش سه بافت (مرکزی، جدید، حاشیه) شهر سبزوار را شامل می‌گردد. حجم نمونه طبق جمعیت سه بافت و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۲ نمونه به دست آمده است که با حضور در محل به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل ویکور و آزمون تی تست تک نمونه - تحلیل واریانس - اسپیرمن و فریدمن استفاده شده است. مقدار آلفا برای کل شاخص‌ها برابر با ۰/۷۸ بوده که نشان می‌دهد مقیاس مورد نظر از پایایی مناسبی برخوردار است. پرسش‌نامه‌ها با توجه به پراکنش جغرافیایی مناسب در بین شهروندان توزیع و تکمیل شده است و سعی شد اکثریت ساکنان هر سه بافت مورد نظر در این جریان سهیم باشند.

محدوده‌ی پژوهش

شهر سبزوار یکی از شهرهای استان خراسان رضوی و مرکز شهرستان سبزوار به‌عنوان سومین شهر استان خراسان رضوی با ۳۱۷۵/۴۶ هکتار وسعت در غرب استان واقع شده است. این شهر در مسیر ارتباطی تهران - مشهد قرار گرفته و دارای موقعیت چهارراهی است. جمعیت این شهر ۲۴۳۷۰۰ نفر است. این شهرستان با ارتفاع ۹۷۸ متر از سطح آب‌های آزاد در ۵۷ درجه و ۴۰ دقیقه و ۲۰ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض شمالی واقع شده است. این شهر در مسیر ارتباطی تهران - مشهد قرار گرفته است. شهر سبزوار دارای موقعیت چهارراهی است. اگر شهر مشهد را به‌عنوان اولین کانون انشعاب راه‌های استان خراسان رضوی قلمداد کنیم بی‌شک دومین مرکز انشعاب راه‌های زمینی خراسان رضوی شهر سبزوار خواهد بود. این شهر از شمال به شهرستان جویین و جغتای، از شمال شرق به شهرستان خوشاب، از غرب به شهرستان شاهرود و از جنوب و جنوب شرقی به شهرستان کاشمر و از شرق به شهرستان نیشابور محدود است

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده‌ی مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که ۲۳/۸ درصد پاسخ‌گویان محدوده‌های مورد نظر مجرد و ۷۶/۲ درصد پاسخ‌گویان متأهل می‌باشند. در زمینه‌ی محل تولد پاسخ‌گویان ۶۰/۷ درصد آن‌ها محل تولدشان شهر سبزوار، ۱۹/۴ درصد شهرهای اطراف، ۱۴/۹ درصد روستاهای اطراف، ۵/۱ نیز سایر موارد بوده است. متغیر دیگر تحصیلات پاسخ‌گویان است که ۲۲/۱ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۶/۹ درصد دیپلم و مابقی بالای دیپلم بوده‌اند. متغیر دیگر سابقه سکونت در محل است که ۲۷/۲ درصد پاسخ‌گویان ۵ سال، ۳۵/۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۱۰-۵ سال، ۲۱/۲ درصد بین ۲۰-۱۰ سال و ۱۶/۱ درصد پاسخ‌گویان بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی سکونت در محدوده‌های مورد مطالعه دارند.

در این مرحله از تحقیق به آزمون فرضیات پرداخته می‌شود. فرضیه‌ی اول: میزان شهرگرایی شهروندان شهر سبزوار در سطح مطلوبی ناست.

جدول ۲. میزان شهرگرایی شهروندان شهر سبزوار

مؤلفه	آمار T	اختلاف میانگین	میانگین	سطح معنی‌داری	درجه‌ی آزادی	سطح اطمینان ۹۵٪	
						کرانه پایین	کرانه بالا
هویت شهروندی	-۲۹/۶۵۱	-۱۶۴۷۹۱	۲/۳۵	۱/۰۰۰	۳۸۱	-۱۶۹۰۹	-۱۶۰۴۹
عقلانیت	-۳۳/۵۶۴	-۱۶۹۵۴۶	۲/۳۰	۱/۰۰۰	۳۸۱	-۱۷۳۶۲	-۱۶۵۴۷
فردگرایی	-۲۰/۱۲۵	-۱۶۱۰۹۹	۲/۳۸	۱/۰۰۰	۳۸۱	-۱۶۷۰۷	-۱۵۵۱۳
تعاملات	-۲۹/۰۴۱	-۱۶۳۷۸۷	۲/۳۶	۱/۰۰۰	۳۸۱	-۱۶۸۱۱	-۱۵۹۴۷
بی‌تفاوتی	-۳/۳۳۲	-۱۱۴۸۳۴	۲/۸۵	۱/۰۰۱	۳۸۱	-۱۲۳۵۹	-۱۰۶۰۸
از خود بیگانگی	۱/۷۲۸	-۱۰۶۷۵۴	۳/۰۶	۱/۰۸۵	۳۸۱	-۱۰۰۹۳	۱/۱۴۴۴

نتایج آزمون تی تست تک نمونه‌ای انجام شده در محدوده‌های مورد مطالعه گویای آن است که با توجه به مقدار sig به دست آمده، چون مقدار sig کم‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین بین شاخص‌های هویت شهروندی، عقلانیت، فردگرایی، تعاملات، بی تفاوتی با میزان شهر گرایی رابطه معنی داری دارد و فرضیه مورد نظر تأیید می شود در صورتی که بین شاخص از خود بیگانگی با میزان شهر گرایی به دلیل این که مقدار sig به دست آمده بیش تر از ۰/۰۵ است رابطه‌ی معنی داری وجود ندارد. بنابراین در مجموع فرضیه تأیید و در یک شاخص مورد تأیید نیست.

فرضیه دوم: بافت‌های متفاوت شهر سبزوار از نظر میزان شهر گرایی تفاوت معناداری دارند.

جدول ۳. درجه شهر گرایی بافت‌های شهری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
بافت شهر	میزان شهر گرایی	۳۸۲	۱۲۳	۱۰۱۶/۵	۷۵/۴۳۱	۰/۰۰۰

نتایج آزمون تحلیل واریانس انجام شده در بافت‌های مورد هدف گویای آن است که بین بافت‌های متفاوت (مرکزی، جدید، حاشیه) شهر سبزوار از نظر درجه شهر گرایی تفاوت معنی داری وجود دارد زیرا مقدار sig به دست آمده کم‌تر از ۰/۰۵ است و این نشان دهنده‌ی آن است که در بافت‌های مختلف شهر سبزوار درجه شهر گرایی متفاوت بوده و ساکنان در این بافت‌ها از درجه شهر گرایی یکسانی برخوردار نیستند. بنابراین فرضیه فوق تأیید می گردد.

فرضیه سوم: بین متغیرهای میزان تحصیلات افراد، میزان درآمد خانوار و وضعیت شغلی افراد با میزان شهر گرایی آن‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۴. رابطه‌ی بین میزان تحصیلات با درجه‌ی شهر گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان تحصیلات	میزان شهر گرایی	۳۸۲	-۰/۱۹	۰/۷۰۹

نتایج آزمون اسپیرمن انجام شده در شهر سبزوار گویای آن است که بین تحصیلات افراد با تمام شاخص‌های شهر گرایی رابطه معنی داری وجود ندارد چون مقدار sig به دست آمده بیش تر از ۰/۰۵ است بنابراین این قسمت از فرضیه تأیید نمی گردد.

جدول ۵. رابطه بین میزان درآمد با درجه شهر گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان درآمد	میزان شهر گرایی	۳۸۲	۰/۴۰	۰/۴۳۱

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون اسپیرمن انجام شده در بافت‌های مختلف شهر سبزوار، نتایج آزمون گویای آن است که بین درآمد افراد با شاخص‌های شهر گرایی از قبیل عقلانیت، تعاملات، فردگرایی، بی تفاوتی رابطه معنی داری وجود ندارد چون مقدار sig به دست آمده بیش تر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه‌ی مورد نظر رد می شود.

فرضیه‌ی پنجم: بین وضعیت شغلی افراد با درجه‌ی شهر گرایی آن‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد

جدول ۶. رابطه‌ی وضعیت شغلی با میزان شهر گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
وضعیت شغلی	میزان شهر گرایی	۳۸۲	۴	۱/۱۶۷	۱/۵۶۴	۰/۱۸۳

نتایج آزمون تحلیل واریانس انجام شده در محدوده‌های مورد مطالعه در شهر سبزوار گویای آن است که با توجه به این که مقدار sig به دست آمده کم‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین بین وضعیت شغلی افراد با میزان شهر گرایی آن‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد و فرضیه فوق تأیید نمی گردد.

سؤال ۱: میزان شهر گرایی در هر یک از بافت‌های مورد مطالعه در چه حدی است؟

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی

برای پاسخ به این سؤال از روش ویکور استفاده شده است. مرحله اول: پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزار گردآوری (۳۸۲ پرسش‌نامه) و تبدیل آن‌ها به داده‌های کمی از راه مقیاس دوقطبی و ترکیب آن‌ها، ماتریس داده‌های خام هر یک از معیارها در محدوده‌ی مورد مطالعه تعریف شد (جدول ۳). در این جدول که شامل شش ستون و سه ردیف است؛ گزینه‌های ما (ردیف‌ها) شامل بافت‌های سه‌گانه شهر سبزوار است و ستون هفت شامل شاخص‌های شهر گرایی است که در (جدول ۷) ارائه شده است.

جدول ۷. ماتریس داده‌های اولیه از وضعیت شاخص‌های شهرگرایی در شهر سبزوار

شاخص بافت‌ها	هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبیگانگی	بی تفاوتی
بافت جدید	۳۱۰۸	۲۴۰۰	۲۵۶۴	۲۸۳۸	۲۴۹۸	۲۵۴۰
بافت مرکزی	۲۰۸۸	۲۶۸۲	۲۶۳۲	۲۸۴۲	۲۷۳۰	۱۷۹۰
بافت حاشیه	۲۹۸۲	۲۷۱۴	۲۹۳۴	۲۷۴۰	۲۵۶۸	۲۵۰۶

- تشکیل ماتریس بی مقیاس شده مقادیر اولیه

مرحله‌ی دوم: در جدول داده‌های خام (جدول ۳)، شاخص‌هایی با مقیاس متفاوت برای سنجش میزان شهر گرایی شهر سبزوار ارائه شده است. لذا به منظور قابل مقایسه شدن مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری و سنجش میزان شهر گرایی بافت‌های مختلف شهر سبزوار، از بی مقیاس نمودن ماتریس تصمیم‌گیری به روش نرم استفاده شده است و نتایج آن به صورت ماتریس بی مقیاس شده در (جدول ۸) ارائه شده است.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}} \quad (1) \text{ تابع}$$

جدول ۸. ماتریس نرمال شده شاخص‌های مورد ارزیابی

شاخص بافت‌ها	هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبیگانگی	بی تفاوتی
بافت جدید	۰.۵۷۳	۰.۴۸۵	۰.۵۰۲	۰.۵۳۸	۰.۵۱۵	۰.۳۹۲
بافت مرکزی	۰.۳۸۵	۰.۵۴۲	۰.۵۱۵	۰.۵۳۸	۰.۵۳۶	۰.۳۸۹
بافت حاشیه	۰.۵۵۰	۰.۵۴۹	۰.۵۷۴	۰.۵۱۹	۰.۵۳۰	۰.۳۹۶

مرحله‌ی سوم: سپس برای اهمیت نسبی معیارها لازم بود که وزن نسبی آن‌ها تعیین شود، به منظور تعیین وزن و درجه‌ی اهمیت شاخص‌ها روش‌های متعدّد (ANP, AHP)، آن‌روپی شانون، بردار ویژه و مانند آن وجود دارند که متناسب با نیاز می‌توان از هر یک از آن‌ها استفاده نمود. در این پژوهش از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای تعیین وزن هر شاخص استفاده شده که در (جدول ۹) آورده شده است.

جدول ۹. وزن و اهمیت نسبی شاخص‌های شهرگرایی با توجه به تکنیک (AHP)

هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبیگانگی	بی تفاوتی
۰.۳۳۰	۰.۱۷۱	۰.۱۵۲	۰.۱۰۱	۰.۲۰۸	۰.۱۹۸

مرحله‌ی چهارم: همچنین، برای تهیه ماتریس نرمال شده وزن، می‌بایست وزن نسبی هر یک از شاخص‌ها را که در مرحله‌ی قبل محاسبه گردید در ماتریس نرمال شده (جدول ۴) ضرب شود در نتیجه حاصل ماتریس نرمال شده وزن است که در (جدول ۱۰) ارائه شده است.

جدول ۱۰. ماتریس نرمال شده وزن شاخص‌های مورد ارزیابی

شاخص بافت‌ها	هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبینی‌گانی	بی تفاوتی
بافت جدید	.۱۹۱	.۰۸۱	.۰۷۳	.۰۶۱	.۱۱۰	.۰۵۸
بافت مرکزی	.۱۲۵	.۰۹۲	.۰۷۵	.۰۶۱	.۱۱۸	.۰۴۲
بافت حاشیه	.۱۸۲	.۰۹۳	.۰۸۳	.۰۵۸	.۱۱۳	.۰۷۵

مرحله‌ی پنجم: پس از محاسبه ماتریس نرمال وزین، بالاترین و پایین‌ترین مقادیر مربوط به هر یک از شاخص‌ها را در بافت‌های سه‌گانه شهر سبزوار مشخص شده است (جدول ۱۱). همان‌طور که از جدول زیرنمایان است، به‌عنوان مثال در شاخص «هویت شهروندی» بافت جدید شهر سبزوار بالاترین ارزش شاخص مربوطه (۰/۱۹۱) را به خود اختصاص داده است؛ و در نقطه‌ی مقابل نیز، بافت مرکزی شهر سبزوار کم‌ترین مقدار از شاخص «هویت شهروندی» (۰/۱۲۵) را به خود اختصاص داده است.

$$f_i^* = \max_j f_{ij} \quad f_i^* = \min_j f_{ij} \quad :$$

(۲) تابع

جدول ۱۱. بالاتری (f) و پایین (f) ارزش شاخص‌ها

شاخص‌ها پارامترها	هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبینی‌گانی	بی تفاوتی
بالاترین مقدار شاخص	.۱۹۱	.۰۹۳	.۰۸۳	.۰۶۱	.۱۱۸	.۰۵۸
پایین‌ترین مقدار شاخص	.۱۲۵	.۰۸۱	.۰۷۳	.۰۵۸	.۱۱۰	.۰۴۲

مرحله‌ی ششم: در این مرحله با توجه به مقادیر حداکثر و حداقل محاسبه شده برای هر کدام از شاخص‌ها، فاصله از راه‌حل‌های ایدئال مثبت (مطلوبیت S) و منفی (تأسف R) را برای هر کدام از بافت‌ها با توجه به مقادیر حداقل و حداکثر با استفاده از تابع شماره ۳ محاسبه گردیده که نتایج آن در جدول ۱۲ ارائه شده است.

$$R_i = \max \left\{ w_j \frac{f_j^* - f_{ij}}{f_j^* - f_j^-} \right\} \quad S_i = \sum_{j=1}^n w_j \frac{f_j^* - f_{ij}}{f_j^* - f_j^-}$$

(۳) تابع :

جدول ۱۲. محاسبه مقادیر مطلوبیت S و تأسف R

شاخص بافت‌ها	هویت شهروندی	عقلانیت	فردگرایی	تعاملات	از خودبینی‌گانی	بی تفاوتی	S	R
بافت جدید	.۰۰۰	.۰۸۰	.۰۶۰	.۰۰۱	.۰۵۰	.۱۱۴	.۱۹۵	.۱۱۴
بافت مرکزی	.۳۳۵	.۰۰۷	.۰۴۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۱۵۲	.۳۹۵	.۳۳۵
بافت حاشیه	.۰۴۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۱۳	.۰۳۵	.۲۱۱	.۲۱۳	.۲۱۱

مرحله‌ی هفتم: همچنین، پس از محاسبه مقادیر مطلوبیت و تأسف، مقدار نهایی مدل ویکور و یا تابع مزیت (یعنی Q) را با استفاده از تابع شماره (۴)، محاسبه کرده‌ایم (جدول ۹). مقادیر تابع مزیت (Q) که بیانگر رتبه نهایی بافت سه‌گانه شهر سبزوار از نظر شاخص‌های شهر گرایی است؛ بین صفر تا یک تعیین می‌شود و مقدار عددی تابع مزیت (Q) هر چقدر به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده‌ی مطلوبیت شاخص‌های شهر گرایی است و هر چقدر مقدار Q با یک نزدیک‌تر

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی

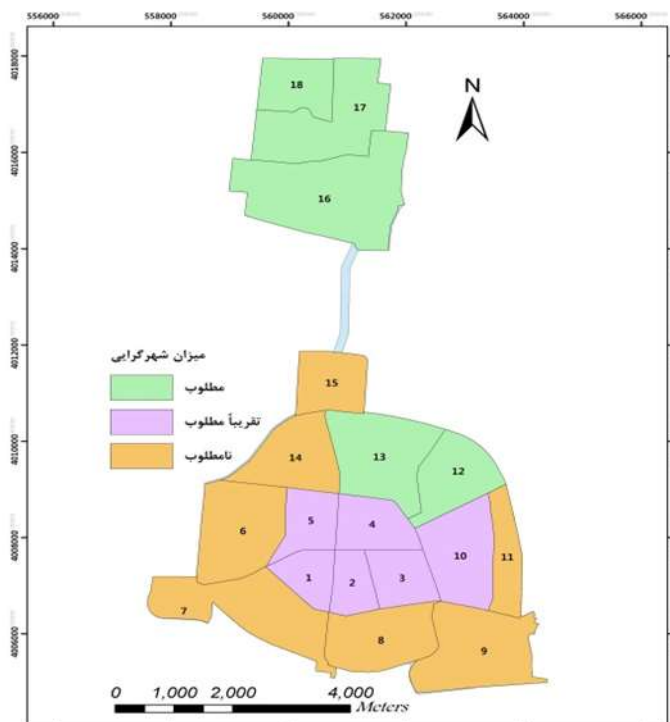
باشد، نشان‌دهنده‌ی ضعف شاخص‌های شهر گرایی می‌در بافت‌های سه‌گانه است؛ بنابراین، کم‌ترین مقدار تابع مزیت Q، بالاترین اولویت را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر دیگر، هر بافتی که کم‌ترین مقدار را از نظر تابع مزیت Q داشته باشد، مطلوب‌ترین شرایط را از نظر شاخص‌های شهر گرایی دارا است و بافتی که بیش‌ترین مقدار از تابع مزیت Q را داشته، ضعیف‌ترین بافت از نظر شاخص‌های شهر گرایی است.

$$Q_i = v \left[\frac{S_i - S^-}{S^* - S^-} \right] + (1 - v) \left[\frac{R_i - R^-}{R^* - R^-} \right] \quad R^* = \text{Max } R_i, R^- = \text{Min } R_i, S^* = \text{Max } S_i, S^- = \text{Min } \quad (4) \text{ تابع}$$

جدول ۱۳. محاسبه‌ی مقدار Q و رتبه‌ی نهایی

رتبه	مقدار Q	بافت‌ها
۱	۰/۰۰۰	بافت جدید
۲	۰/۱۳۴	بافت مرکزی
۳	۰/۶۸۰	بافت حاشیه

پس از محاسبه مقدار Q برای تمامی بافت‌ها، بافت‌های شهر سبزوار از نظر شاخص‌های شهر گرایی بر اساس مقدار Q رتبه‌بندی می‌شوند. بدین گونه که بیش‌ترین میزان Q نشان‌دهنده‌ی بدترین وضعیت شاخص‌های شهر گرایی و کوچک‌ترین مقدار Q نشان‌دهنده‌ی بالاترین میزان شهر گرایی است. همان‌طور که با توجه به (جدول ۹) مشخص می‌شود بافت جدید شهر سبزوار با مقدار Q صفر دارای بهترین وضعیت با توجه شاخص‌های شهر گرایی قرار دارد و سپس بافت مرکزی با مقدار Q (۰/۱۳۴) در رتبه‌ی دوم و بافت حاشیه با مقدار Q (۰/۶۸۰) در رتبه‌ی سوم قرار دارد. همان‌طور در نقشه هم نشان داده شده بافت جدید و برنامه‌ریزی شده که شامل محلات ایجاد شده سه دهه‌ی اخیر می‌باشند در وضعیت مطلوب شهر گرایی قرار دارند و بعد از آن بافت مرکزی و قدیمی شهر در رده تقریباً مطلوب شهر گرایی قرار گرفته‌اند و در رده‌ی سوم محلات حاشیه شهر هستند که شامل سکونت‌گاه‌های غیررسمی و روستاهای الحاقی شهر هستند و از نظر فرهنگ شهرنشینی نامطلوب بوده و در حال گذار از سنت به مدرنیسم می‌باشند.



شکل ۲. میزان شهرگرایی در سه بافت مرکزی، حاشیه‌ای و جدید

سؤال ۲: کدام شاخص تأثیر بیش‌تری بر روی شهر گرایی شهر سبزوار دارند؟

جدول ۱۴. نتایج آزمون فریدمن در ارتباط با میزان شهر گرایی افراد

شاخص‌ها	میانگین طیف لیکرت	رتبه	فراوانی	کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
هویت شهروندی	۲/۹۶	۵				
عقلانیت	۲/۹۱	۶				
فردگرایی	۳/۱۷	۳	۳۸۲	۱۰۹/۵	۶	.۰۰۰/
تعاملات	۳/۱۴	۴				
بی‌تفاوتی	۴/۱۰	۲				
از خودبیگانگی	۴/۷۲	۱				

در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از آزمون فریدمن، میزان شهر گرایی شهر سبزوار را، بر اساس ۶ شاخص هویت شهروندی، عقلانیت، فردگرایی، بی‌تفاوتی، تعاملات و از خودبیگانگی مشخص نموده است. با توجه به نتیجه این آزمون و خروجی حاصل از آن مشهود است که شاخص از خودبیگانگی با رتبه یک (۴/۷۲) مؤثرترین عامل شهر گرایی شهروندان شهر سبزوار محسوب می‌شود و بعد از آن به ترتیب بی‌تفاوتی (۴/۱۰) رتبه دوم، فردگرایی (۳/۱۷) رتبه سوم، تعاملات (۳/۱۴) رتبه چهارم، هویت شهروندی (۲/۹۶) رتبه پنجم، عقلانیت (۲/۹۱) رتبه‌ی ششم را به خود اختصاص داده است. بنابراین نتایج آزمون فریدمن گویای آن است که از بین شاخص‌های شهر گرایی، بالاترین رتبه به شاخص از خودبیگانگی و پایین‌ترین رتبه به شاخص عقلانیت تعلق گرفته است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی شهر گرایی در شهر سبزوار به ترتیب ویژگی از خودبیگانگی، بی‌تفاوتی و فردگرایی است، میانگین این شاخص‌ها به ترتیب ۴/۷۲، ۴/۱۷، ۳/۱۰ است. با توجه به مقدار مجذور کای به دست آمده برابر با ۱۰۹/۵ است که در سطح خطای ۰/۰۵ قرار دارد و چون مقدار Sig به دست آمده کم‌تر از ۰/۰۵ است گویای معنادار بودن آزمون موردنظر است.

نتیجه‌گیری

شهر گرایی، مرحله‌ی مهمی در روند زندگی در شهرهاست زیرا فرهنگ شهرنشینی افراد در چگونه زیستن یعنی شهر گرایی آن‌ها ظاهر می‌شود. برخلاف شهرنشینی، شهر گرایی یک فرآیند رشد کمی نیست بلکه به‌عنوان مرحله‌ی نهایی و کیفی زندگی شهری یا نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر شهرگرایی مفهومی عام است شامل جنبه‌های روان‌شناسی اجتماعی زندگی شهری، الگوهای شخصیت شهری و انطباق رفتاری در شهر و دارای خصوصیتی از قبیل تقسیم‌کار پیچیده همراه با ساخت متنوع اشتغال، تحرک زیاد سرزمینی و اجتماعی، گمنامی حقیقی و قابل‌ملاحظه شخصی در تماس‌های میان افراد، شاخه‌شاخه شدگی و جدایی نقش‌های اجتماعی و هم‌کنشی نقش و حالت‌های نامستقیم کنترل اجتماعی است. بعضی از شهرها ممکن است از روند شهرنشینی بالایی برخوردار باشند و جمعیت شهرنشین در آن بالا باشد ولی از نظر درجه شهر گرایی در حد بالایی نباشند. بنابراین شهرنشین بودن ملاک بر شهر گرا بودن و پایبند به قوانین و ضوابط شهرنشینی نیست. نتایج یافته‌های موجود در شهر مورد پژوهش (سبزوار) گویای آن است درآمد، تحصیلات و وضعیت شغلی رابطه معناداری با میزان شهر گرایی افراد ندارد. میزان شهر گرایی شهروندان در وضعیت نسبتاً مطلوبی ناست. همچنین بین بافت‌های مختلف شهر سبزوار از نظر میزان شهر گرایی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بافت جدید درجه‌ی شهر گرایی بالاتری دارند و در مرتبه‌ی بعدی بافت مرکزی قرار می‌گیرد. در صورتی که بافت حاشیه به لحاظ درجه شهر گرایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. شاخص‌های از خودبیگانگی، بی‌تفاوتی، فردگرایی و تعاملات به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را در میزان شهر گرایی سه بافت مورد مطالعه شهر سبزوار را

تحلیل میزان شهرگرایی در شهر سبزوار / زنگنه و خدشاهی

دارا بوده‌اند. بنابراین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهر سبزوار به لحاظ میزان و درجه شهر گرایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و بافت‌های مورد مطالعه از نظر شهر گرا بودن متفاوت بوده و در یک سطح نمی‌باشند.

منابع

- آبراکمی، نیکلاس؛ استفن هیل؛ و برایان اس ترنر (۱۳۷۰)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ دوم.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۰)، ساختمان بلند و شهر (تحلیل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ساختمان‌های بلند بر شهرهای بزرگ)، سازمان فرهنگی هنری شهر تهران، مؤسسه‌ی نشر شهر.
- جلائی پور، حمیدرضا؛ و عبدالله پور، جمال (۱۳۹۰)، تمایز شهر گرایی و شهرنشینی بررسی شهر گرایی در مناطق کردنشین ایران، با تأکید بر شهر سردشت. مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صص ۳۷-۷.
- حسینی، محمدرضا؛ طالب پور، اکبر و امامعلی زاده، حسین (۱۳۹۳)، بررسی عوامل موثر بر رفتار نوع‌دوستانه در بین شهروندان همدانی در سال ۱۳۹۲، دوره‌ی نهم - شماره‌ی ۱، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- رحمانی فیروز جاه، علی؛ اصحابی، سیده اکرم؛ و کبیری نسب، حکیمه (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناختی میزان شهر گرایی و عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: شهر ساری). سال سوم - شماره‌ی ۸ - پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- رضا دوست، کریم؛ حسین زاده، علی حسین؛ و رضایی، عباس (۱۳۹۱)، تأثیر شهر گرایی و دین‌داری بر مصرف‌گرایی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، علوم اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی، زمستان ۱۳۹۱، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- سلطانی مقدس، ریحانه (۱۳۹۱)، گذار تحولی بافت کالبدی روستاهای واقع در حوزه‌های کلان‌شهری (مطالعه‌ی موردی: مسکن روستایی - دهستان طرقله)، زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۸-۳۹.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی شهری. تهران: سمت.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شهری، تهران: نشر علمی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری. چاپ سیزدهم، تهران: نی.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱)، مدیریت شهری، تهران: نشر علم.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- موسوی، یعقوب و پاک خصال، اعظم (۱۳۹۱)، شهر گرایی و ایستار فرهنگی؛ مورد تجربی ساکنین شهر تهران، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هشتم، شماره‌ی ۲۸، صص ۱۹۷-۱۷۲.
- نوابخش، مهرداد و رفیعی فر، مریم (۱۳۸۷)، بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، مجله‌ی جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره‌ی ۱، زمستان ۱۳۸۷، صص ۵۱-۶۵.
- B. Hooper (2009). Los Angeles school of post-Modern Urbanism, international Encyclopedia Geography. 2009, Pages 293-297.
- Fisher, C.S. (1982). To dwell among friend: personal network s in townand city (chicago: university of chicago press.
- Gans, Herbert G. (1969) "Urbanism and Suburbanism as Ways of Life", in R. E. Phal (ed), Readings in Urban Sociology. Oxford: Pergamon Press: 95-117.
- Gottdiener, M and R. Hutchison (2006) The New Urban Sociology, Third Edition, Colorado: West View Press.
- Le Gate, Richard T. and Stout Frederic. (2007), the City Reader, Forth Edition, London and New York, Rutledge.
- Macionis, J. J. and V. N. Parrillo. (2001), Cities and Urban Life, New York, Prentice Hall.
- Park, R. E. (1969), "The City: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in The Urban Invironment", in Richard Sennet (ed), Classic Essays on The Culture of Cities, New York, Meredith Corporation, pp: 91-130.

- Phal, R. E. (1969) *The Rural Urban Continuum, I* (ed), Readings in Urban Sociology, Oxford: Perg 263-297.
- Simmel, George. (1969). “*The Metropoliton and Mental Life*”, inRichardSennet(ED). *Classic Eessays on the Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation, pp: 47-60.
- Warfel, becky& Liang, jersey (1983). *Urbanism and life satisfactionAmong the Aged*. Oxford gournals.pp:97-106.